





سال، هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۴ پاییز ۱۴۰۳

www.qpjournals.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی و تحلیل سبکی نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع

شهادت حضرت حسین (ع)»

دکتر رحیم سلامت آذر^۱  

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۴ تا ص ۳۶)

 [10.22034/caat.2024.406516.1048](https://doi.org/10.22034/caat.2024.406516.1048)

چکیده

نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)» از جمله متون تاریخی-دینی است که در قرن سیزدهم هجری به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله برآنیم تا علاوه بر معرفی نسخه خطی با رویکرد بررسی سبک‌شناختی متون، به ذکر برخی ویژگی‌های ادبی و زبانی این اثر بپردازیم. پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای نظری است که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی انجام یافته است. جامعه و محدوده مورد مطالعه، نسخه خطی «قضایای حضرت موسی و ...» است که در کتابخانه مجلس به شماره ۲۰۸۱۵۳ نگهداری می‌شود.

از نظر اصول نگارشی، رعایت پیوسته نویسی در کلمات مرکب و جدانویسی در پیشوندهای فعلی، نوشتن حرف «گ» بدون سرکش، متصل نوشتن پیشوندها و ... برخی از ویژگی‌های رسم‌الخطی این نسخه است. در این اثر اشتباهات نگارشی و املائی از قبیل: دوروغ: دروغ، خاب: خواب، می‌خواستند: می‌خواستند، سوزنده‌گی: سوزندگی، عظیم‌الجسه‌گی: عظیم‌الجثگی، عرزه: عُرْضه، طلاطم: تلاطم و همچنین لغزش در ذکر برخی آیات و اشعار نیز یافت

^۱. مدرس دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران // Rahim.salamatazar@gmail.com



می‌شود که دلالت بر بی‌دقتی کاتب دارد. نویسنده به دور از تکلف و تصنع از زیورهای کلامی مانند سجع، تلمیح، تجنیس، استشهاد، تضمین، اقتباس، تمثیل، اسلوب‌الحکیم، تشبیه، کنایه، مجاز و ... در نوشته خود هر چند به صورت اندک بهره برده و از امکانات زبانی برای بیان اندیشه‌های حکمی و تعلیمی استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی: نسخه خطی، حضرت موسی (ع)، داستان تاریخی-دینی، شهادت امام حسین (ع)، ویژگی‌های نگارشی و سبکی.

۱. مقدمه

تصحیح و تحقیق میراث گذشتگان، علاوه بر آن که راه شناخت مؤلفان و کاتبان و شرح زندگانی و احوال آن‌ها را برای ما هموار می‌سازد، می‌تواند چراغ راه ما در شناسایی و شناساندن دنیای افکار و اندیشه‌های آنان باشد و اتفاقات و حوادث تاریخی و سیاسی مربوط به آن دوران را در اختیار خواننده قرار دهد. ادامه حیات علمی، فرهنگی و ادبی هر جامعه به میزان آشنایی و ارتباط آن جامعه با میراث پیشینیانش بستگی دارد. در فرهنگ ایرانی-اسلامی، این آشنایی و ارتباط از رهگذر تألیفات و مخطوطات به جا مانده از گذشتگان امکان پذیر است. شاعران، عارفان و مؤلفان فراوانی در اقصی نقاط جهان بوده‌اند که آثارشان به صورت نسخ خطی به جا مانده است. در این راستا، یکی از وظایف اصلی آیندگان و پژوهشگران تهیه این نسخه‌های خطی و احیای آن‌ها با استفاده از فن تصحیح متون است و بالطبع معرفی و تصحیح این اثر نیز در این راستا خواهد بود.

۱-۱. بیان مسأله و سؤالات تحقیق

این پژوهش با هدف احیای نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)» صورت خواهد گرفت و این کار با معرفی کامل نسخه خطی و تحلیل ساختاری و محتوایی اثر که خواندن آن اطلاعات مفیدی پیرامون داستان حضرت موسی (ع) و حوادث کربلا و نگرش مؤلف اثر به دست می‌دهد، خواهد بود.

در این پژوهش سعی بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- ویژگی‌های نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)» و محسنات و اشکالات آن چیست؟

۲- تا چه حدی می‌توان به ابعاد تاریخی و مذهبی این اثر اعتماد کرد؟



۳- میزان بهره‌مندی صاحب اثر از امکانات زبانی و ادبی تا چه حدی است؟

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

سبک‌شناسی رهیافتی نقادانه است که از یافته‌های علوم مختلف ادبی و زبانی بهره می‌گیرد (بری، ۱۳۹۰: ۹۱) و با توجه به این نکته که سبک‌شناسی از تحلیل و نقد واحدهای جزئی و کوچک زبان آغاز و به لایه‌های کلی و محتوایی کلام منجر می‌شود، تلاشی برای نمایاندن وجوه مختلف زیبایی یک اثر و تبیین ارزش ادبی و هنری آن است؛ در این نوشتار سعی بر آن است علاوه بر معرفی یکی از نسخه‌های ماندگار روایی، دینی و تاریخی زبان فارسی به برخی ویژگی‌های زبانی و ساختاری آن نیز پرداخته شود.

نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت امام حسین (ع)» نسخه‌ای است از نویسنده‌ای ناشناس که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و تا کنون نسخه دیگری از آن شناسایی و معرفی نشده است. این اثر حاوی اطلاعات تاریخی، دینی و داستانی درباره پیامبران به‌ویژه حضرت موسی (ع) و ذکر برخی حوادث شهادت حضرت حسین (ع) و یاران باوفایش؛ همچنین ماجرای اسیران کربلاست. این پژوهش در راستای توجه به فرهنگ ایرانی-اسلامی و با هدف شناساندن نسخه خطی مذکور صورت خواهد گرفت.

۳-۱. پیشینه تحقیق

کمتر موزه و کتابخانه‌ای در اکناف جهان می‌توان یافت که نسخه‌های خطی به زبان فارسی در آن نباشد؛ تعداد بی‌شماری از این نسخ خطی به دلایل مختلف هنوز تصحیح و چاپ نشده است.

متن نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)» به تازگی توسط نگارنده این سطور تصحیح شده و هنوز به زیور طبع آراسته نگشته است و به غیر از معرفی در سایت بایسته‌های پژوهشی و کتابخانه مجلس در جای دیگری به این اثر اشاره نشده است.

۴-۱. روش تحقیق

نوع تحقیق، بنیادی، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و بسیاری از اطلاعات مربوط به پژوهش از طریق کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. ملاک ما در معرفی این اثر، تک نسخه کتابخانه مجلس خواهد بود.

۲- بحث و بررسی



«قضاای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت امام حسین (ع)»

نسخه‌ای تاریخی - دینی به زبان فارسی است. به صورت کلی زبان نویسنده در این اثر ساده و صریح و به نثر مرسل و در برخی قسمت‌ها متمایل به نثر مسجع هست. این متن شامل شانزده مجلس در ذکر احوال و حوادث زندگی حضرت موسی علیه‌السلام از پیامبران اولوالعزم از کودکی تا زمان مرگ و رویارویی آن حضرت با فرعون را شامل می‌شود که در جاهای مختلف، نویسنده به حوادث کربلا و ذکر مصیبت اهل بیت و شهیدان و اسیران کربلا نیز می‌پردازد همچنین اواخر نسخه را به ماجرای شهادت کربلا و بیان احوال سلمان فارسی و اباذر غفاری از صحابه مشهور پیامبر اختصاص می‌دهد. با توجه به موضوع اثر که در ارتباط با داستان پیامبران به‌ویژه سرگذشت حضرت موسی علیه‌السلام می‌باشد در لابلای عبارات آیات فراوانی از سوره‌های قرآن کریم علی‌الخصوص سوره القصص، طه، اعراف، اسراء و ... مشهود است همچنین گریزهایی که مؤلف از داستان حضرت موسی (ع) به شهادت امام حسین (ع) و حوادث اسرای کربلا می‌زند، استادی و تبحر وی را در زمینه فن خطابه و تأثیرگذاری بر خواننده به خوبی آشکار می‌سازد.

۱-۲. نسخه‌شناسی «قضاای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)»

برای این پژوهش، ابتدا نسخه خطی اثر که در کانال تلگرامی «بایسته‌های پژوهشی» بارگذاری شده بود، تهیه گردید. نسخه خطی اساس به شماره ثبت ۲۰۸۱۵۳ و شماره قفسه ۱۶۹۸۸ در کتابخانه مجلس موجود است. این اثر به خط شکسته تحریری بر روی کاغذهایی بی‌خط نوشته شده است. هر صفحه دارای ۱۵ سطر، تعداد اوراق ۱۵۶ برگ یعنی ۳۱۲ صفحه می‌باشد. در متن تألیف از مرکب سیاه و در عناوین از شنگرف استفاده شده است.

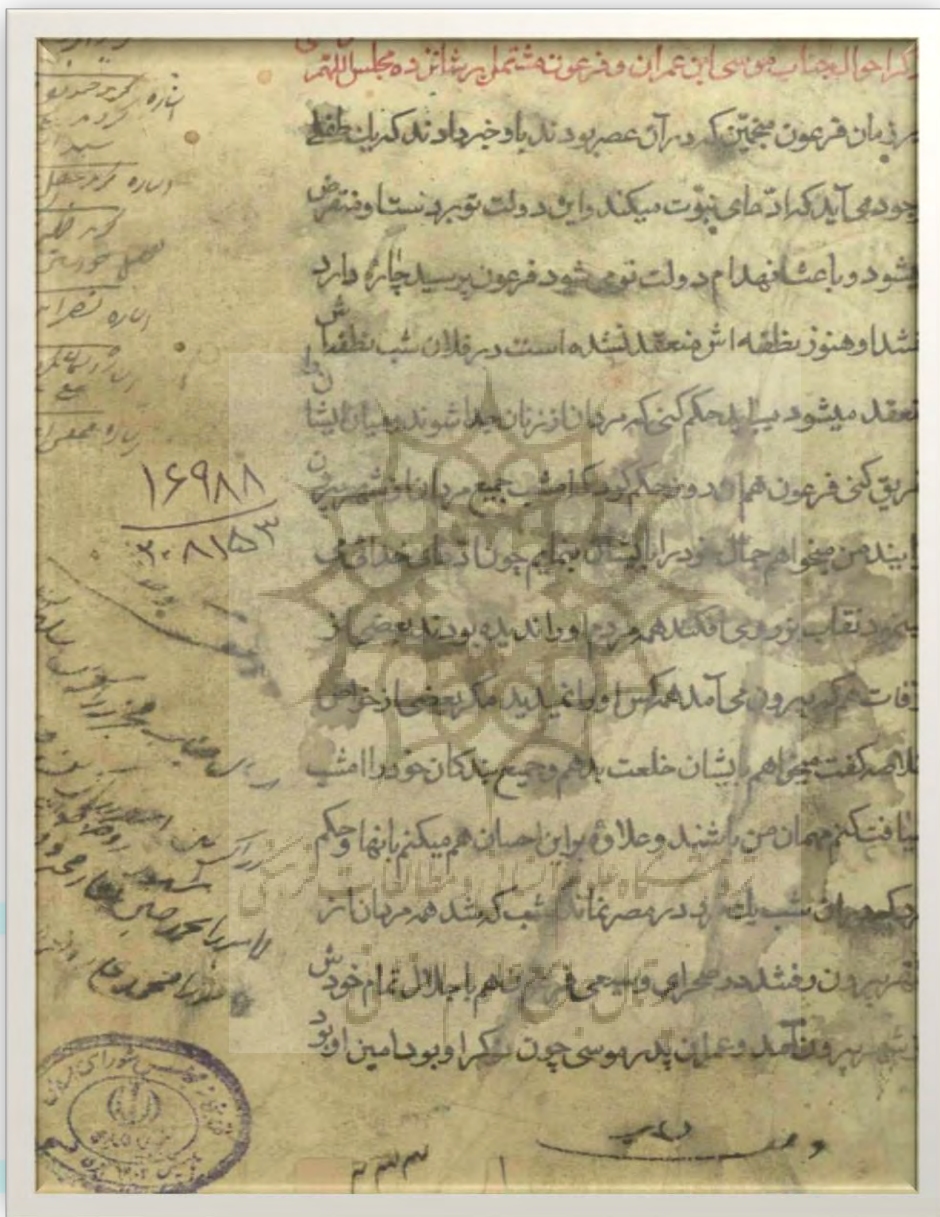
اشعاری در حاشیه برخی از صفحات نسخه به صورت مورب کتابت شده است مثلاً ص ۷، ۹، ۱۱، ۲۷، ۷۵ و ... یا در صفحه ۳۲ بعد از ضفادع شماره گذاشته و در حاشیه توضیح داده است، در صفحه ۵۸ در حاشیه بیتی را ذکر و قبل از آن کلمه کاتب را آورده است و نشان می‌دهد که این بیت را کاتب در حاشیه نسخه نوشته است و متعلق به نویسنده نیست.

در این نسخه افتادگی، ساییدگی مطالب خیلی کم و در برخی از کلمات دیده می‌شود و متن تقریباً به طور کامل در آن ثبت شده است، همچنین اغلاط و مشکلات نگارشی، املائی و دستوری نیز تا حدودی دیده می‌شود.

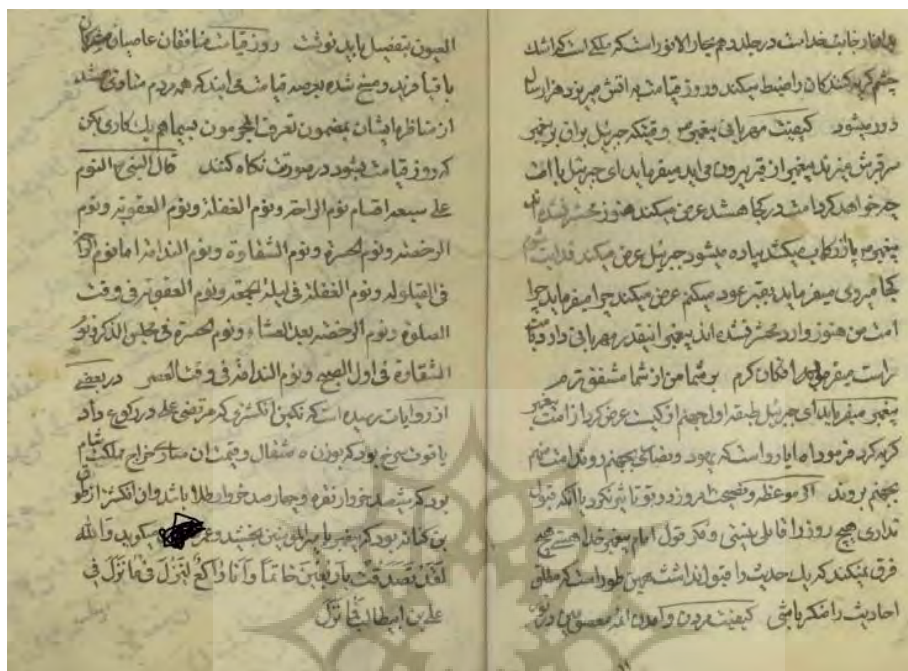


در این نسخه از مؤلف و تاریخ کتابت و هدف از نوشتن این اثر ذکری به میان نیامده و نویسنده از صفحه اول متن اصلی را به نگارش درآورده است ولی در صفحه آخر که جزو صفحات اصلی نسخه خطی محسوب نمی‌شود سنه ۲۸ ذی‌الحجه ۱۲۷۵ و عبارت پایه کار جناب میرزا علی ولد زید توفیقه ثبت گردیده است که خط و مرکب این نوشته با خط و نوشته اصل نسخه متفاوت است.





صفحه اول نسخه



صفحه آخر نسخه

۲-۲. بررسی ساختاری و محتوایی نسخه

در بررسی یک متن باید شش ویژگی و مشخصه اصلی را که همانا (گزینش انگلیخته از زبان، فراهنجاری یا خروج از زبان معیار، تکرار و تداوم، گونه‌های کاربردی زبان، موقعیت گفتار و فردیت) در پیش چشم داشت (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۵). بررسی زبان نسخه خطی «قضایای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)» از نظر سبک‌شناسی حاکی از آن است که این نوشته بنا به اقتضای دینی و مذهبی بودن آن، از واژگان عربی متداول در زبان فارسی و اصطلاحات دینی، بیشترین استفاده را کرده و در بکارگیری آیات قرآنی نهایت بهره را برده است.

بازتاب اعتقادات و باورهای مذهبی نویسنده و ابراز صداقت و دوستی راستین با اهل بیت و یاران و شیعیان از ویژگی‌های بارز این متن تاریخی-دینی بشمار می‌آید.



در سطح لغوی، با توجه به موضوع اثر، واژگان عربی، کهن‌گرایی افعال، استعمال ترکیبات در معنای کهن، ترکیب سازی بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده‌اند.

نویسنده در اول نسخه عنوان «ذکر احوال جناب موسی ابن عمران و فرعون مشتمل بر شانزده مجلس اللهم وفقنی» را آورده و داستان تولد حضرت موسی (ع) را با این عبارت شروع کرده است:

«در زمان فرعون، منجمین که در آن عصر بودند؛ به او خبر دادند که یک طفلی بوجود می‌آید که ادعای نبوت می‌کند و ...». (بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۱)

در مجلس اول در بحث همسایه مادر موسی که وجود فرزند پسر در خانه عمران را به فرعون خبر داده بود و مادر موسی از ترس، بچه را به تنور پُر از آتش انداخته بود و بعد از رفتن مأموران فرعون، مادر موسی «نگاه کرد دید موسی در میان تنور نشسته است و با آتش بازی می‌کند» (همان: ۳). به ماجرای در آتش انداختن حضرت ابراهیم اشاره می‌کند و دوباره از داستان ابراهیم به ماجرای گلگون کفن صحرای کربلا، حضرت سیدالشهدا و ذکر مصیبت حضرت سکینه می‌پردازد. در مجلس دوم به کودکی تا جوانی حضرت موسی در کاخ فرعون تا زمان کشتن یکی از نزدیکان فرعون و فرار آن حضرت از مصر می‌پردازد و در این قسمت نیز از مهاجرت حضرت موسی به کیفیت خروج حضرت حسین از مدینه اشاره می‌کند. در مجلس سوم آشنایی حضرت موسی با شعیب پیامبر و چوبانی آن حضرت تا زمان رفتن از مدین می‌پردازد «بعضی از مفسرین نوشته‌اند که مراد از نعلین که خداوند به موسی فرمود فاخلع نعلیک مراد محبت زن و فرزند است یعنی محبت زن و فرزندت را از دلت بیرون کن» (همان: ۱۶) باز در این مبحث به ذکر مصیبت سکینه مظلومه پرداخته است. در مجلس چهارم به کیفیت راه یافتن حضرت موسی و هارون به دربار فرعون و دعوت او به یکتاپرستی بحث شده و از مسخره و دلکک دربار فرعون به مسخره دربار یزید به نام ظهیر گریز زده که وقتی ظهیر از یزید می‌خواهد کنیزی از زنان اسیر به او بخشیده شود ظهیر پس از اینکه متوجه می‌شود اسیران اهل بیت پیامبر هستند توبه می‌کند و از مجلس بیرون می‌آید. «اما ظهیر چون اسرای آل محمد را شناخت عمامه بر زمین انداخت و طپانچه بر صورت زده و از مجلس بیرون رفته پس از آن دستی که به سوی امّ کلثوم دراز کرده بود قطع کرد و ...». (همان: ۲۱) در مجلس پنجم به ماجرای شعبده بازی جادوگران فرعون و اقرار و ایمان آنها به پیامبری حضرت موسی اشاره نموده است. در مجلس ششم می‌نویسد که فرعون راضی شده بود به خدای موسی ایمان بیاورد پس از مشورت با وزیرش هامان از این تصمیم منصرف می‌شود. در مجلس هفتم به آزار و اذیت فرعون بر بنی اسرائیل و ماجرای شفای دختر یهودی با قطرات خون حسین (ع) و گریز به مجلس کوفه و چکیدن



خون آن حضرت بر زانوی ابن زیاد می‌پردازد. در مجلس هشتم باز به مبارزه فرعون برای از بین بردن حضرت موسی و اثر نکردن زهر در غذای موسی و هارون اشاره می‌کند و به ماجرای زهرآلود کردن بره توسط خواهر مرحب خیبری و الهام شدن آن به خاتم‌الانبیا پرداخته است. در مجلس نهم یا همان التاسع نویسنده با استادی آیات تسع را آورده و از نظر ادبی نیز هنرنمایی کرده است. در این مجلس به ماجرای فوت آسیه زیر شکنجه فرعون، فرار بنی اسرائیل از مصر، غرق شدن فرعون و ماجرای دفن حضرت یوسف (ع) در رود نیل اشاره نموده است. در مجلس دهم به ماجرای میقات حضرت موسی و گوساله پرستی سامری اشاره نموده است. مجلس یازدهم، ماجرای تجلی خداوند در کوه طور بر حضرت موسی و بیهوش شدن آن حضرت و نور پیامبران که به خاتم‌الانبیا منتقل شده بود، می‌پردازد. مجلس دوازدهم به دستور الهی بر بنی‌اسرائیل مبنی بر کشته شدن جوان بیگناهی توسط حسودان و الهام خداوند بر اینکه گاوی را بکشند و دُم آن گاو را بر این جوان بزنند تا زنده شود و پرسش‌های نامتعارف بنی اسرائیل از حضرت موسی در ارتباط با کیفیت و چگونگی آن گاو و سپس قضیه حرف زدن فرزند آن جوان در نوزادی و ماجرای حضرت قاسم در کربلا اشاره می‌کند. در مجلس سیزدهم داستان قارون را که قوم و خویش حضرت موسی و از ثروتمندان زمانه خود بود، آورده است. در مجلس چهاردهم به ماجرای شهر اریحا و طغیان عمالقه و کشته شدن عوج بن عنق توسط حضرت موسی و ایجاد دوازده چشمه آب برای قبایل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل و به گریه‌های طولانی و بی‌تابی حضرت فاطمه زهرا (س) در فراق پدر پرداخته است. سپس عنوان «نامه نوشتن در مدینه» به برگرداندن اسرای کربلا به شهر مدینه اشاره نموده است. مجلس پانزدهم نیز به حوادث قیامت، ماجرای بوی اویس قرنی و تکریم مادر، ثواب گریه و عزای سیدالشهدا، روضه علی‌اصغر و ... اختصاص یافته است. سپس با ذکر عناوین «مجالس موعظه»، «کیفیت ورود به مدینه»، «وفات رقیه»، «سلمان فارسی»، «در بیان احوال اباذر» و «احوال سلاطین عدل» نسخه را پایان برده است.

۲-۲. ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه

۲-۳-۱. متصل نوشتن حروف اضافه و متمم در بسیاری از موارد؛ بایشان، بآتش، بدنیا، بنمرو، بدرخت، بزبان، بمدین، بلباس و

کنیزان رفتند در آب نتوانستند پیش بروند آب بسرعت و بزور می‌آمد. (بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ ق: ۹)



آخر الامر سکینه مظلومه عرض کرد یا ابه چرا جواب نمیگوئی و سینۀ مجروح ما را بمرهمِ ملاطفت تسلی و شفا نمیدهی پدر جان آخر بگو ما را در این بیابان بکه می‌سپاری در میان این همه نامحرم بکه می‌سپاری حضرت فرمودند همه شماها را بخدا سپردم او متکفل من است در همه امور. (همان: ۱۶)

بسا هست شخصی مدت شصت سال از عمر او گذشته است و ریشش سفید شده است می‌رود در حمام و رنگ بریش خود می‌بندد و بیرون می‌آید آن دلاک ریش او را اصلاح (اصلاح) میکند و آئینه را دست او میدهد و میگوید بقربان سیل مخیاتی اما ریشخندش میکند او هم خیال میکند که واقعاً جوان است و اصلاً و قطعاً هیچ بفکر و خیال مُردن نمی‌افتد اگر کسی هم باو بگوید که پیر شده بدش می‌آید و بدماغش میخورد. (همان: ۲۹)

۲-۳-۲. نوشتن حرف «گ» بدون سرکش؛ مثل: کلکون، انکشتر، گوشت، بگویند، کریه به جای گلگون، انگشتر، گوشت، بگویند، کریه و ...

حضرات ما خلیلی داریم کَلستانی داریم خلیل ما کلکون کفنِ صحرای کربلا و کَلستانش کربلا. (همان: ۵)
فرعون حکم کرده بود که تختش را در باغی کذارده بودند فصل بهار هم بود سبزه و صفاء و کل و ریاحین در نهایت صفا (همان: ۸)

۲-۳-۳. متصل نوشتن پیشوندها؛ مانند: بیگمان، بیدرنگ، بیشک، بیشمار، بیمثال.

ای طاقی یاقی (باغی) بیشرم و چیا چه کارها بود که دیگر نکنی ای آب بگیر این ملعونرا با لشکرش (همان: ۴۵)
گفت رفتی نوعروست بیقرار از دست رفت* گفت دست از دامنم بردار از دست رفت (همان: ۶۲)
پسر دوم در میان میدان آمد و گفت ای بیرحم کشتی جوانی را که در همهٔ عراق مثل و مانند نداشت. (همان: ۶۳)
۲-۳-۴. استفاده از همزه روی کرسی «ء» به جای «ی»، مانند: می‌گوئید، آئین، بیائید، خدائی، آنجائی و ...

شماها تصور کنید که اینها اول که فرعون فرستاد ایشانرا طلب نمود بچه خیال آمدند گفتند میرویم و او را مغلوب میگردانیم و ما غالب میشویم از فرعون انعام و خلعت میگیریم اول بانها نوید داد که اگر غالب شدید بر موسی مزد شما این است که بی‌حجاب در نزد من بیائید خلاصه آخر از کفر باسلام منجر شد. (همان: ۲۷)

موسی آمد بر لب دریا و عصای خود را زد بر اب نیل اب نیل پائین نشست بقسمی که دیگر بمزارع و باغات آنها می‌نشست اهل مصر آمدند بنزد فرعون و شکایت کردند گفت فردا بیائید من ابرا برای شما بلند میکنم همین که



شب شد آمد کنار رود نیل افتاد بر روی خاک و سرش را برهنه کرد بر روی خاک گذارد و عرض کرد ای خدای موسی من که میدانم بغیر از تو کسی دیگر سزاوار پرستش نیست و بغیر از تو خدائی ... (همان: ۳۲)

۵-۳-۲. متصل نوشتن «ها»ی جمع در اکثر موارد

سکینه دستهای کوچک خود را بگردن حسین درآورد ناگاه دستهای حسین هم بلند شد و بگردن سکینه درآورد شمر شروع کرد تازیانه بر بدن سکینه زدن (همان: ۶)

چون موسی دید باز ایمان نیاوردند دعا کرد خداوند عالم قَمَل که شپش باشد بر آنها مسلط گردانید که هر روز چندین مرتبه رختهای خود را عوض میکردند و میکنند باز شپش از سر و گردن آنها بالا میرفت عاجز شدند بنزد موسی آمدند و عجز و لاوه کردند موسی دعا کرد از سر آنها رفع شد باز خواستند ایمان بیاورند همان نگذاشت یک شب خوابیدند صبح که خواستند برخیزند در اطاقهاشان باز کنند ... (همان: ۳۳)

۶-۳-۲. نوشتن «ه» به جای «ای»

باو خیر دادند که یک طفلی بوجود می‌آید که ادعای نبوت میکند و این دولت تو بر دست او منقرض میشود و باعث انهدام دولت تو می‌شود، فرعون پرسید چاره دارد گفتند او هنوز نطفه‌اش منعقد نشده است. (همان: ۱)

یکافر طاغی یاقی (یاغی) ای نمک بحرام حالا رفته برگشته ادعای نبوت میکنی. (همان: ۲۳)

۷-۳-۲. نوشتن کلماتی مثل جهت، صورت، ساعت، حضرت، با رسم الخط «جهه»، «صوره»، «ساعه»،

«حضره» وقتی که حضرت در آفتاب راه میرفت نور حضره که میتابید بر نور آفتاب آفتاب مثل یک چراغی بود که در آفتاب بگذارند بسوزد از این جهه بود که حضره سایه نداشت. (همان: ۱۸)

دو مرتبه انجنابرا زهر دادند مرتبه اول خواهر مرحب خیبری بود در خیبر انحضرترا ضیافت کرد بیک برّه از برای حضره بریان کرده بود وقتی که آوردند نزد آن جناب آن حضره یک شخصی خدمت حضره بود پیش از انی که حضره دست دراز کند او یک لقمه برداشت خورد ... (همان: ۴۰)

۸-۳-۲. متصل نوشتن عدد و معدود: یکدسته (همان: ۵)، یکقطره (۷)، پنجتومان (۵۹، ۸۰) و

همان گفت من یک چیزی بشما تعلیم میکنم که دختران شما سالم بمانند گفتند چه کنیم گفت بروید بعدد هر دختر باکره که دارید یکدختر باکره هم از بنی اسرائیل بیاورید. (همان: ۳۸)



... پس ازان خطاب بموسی رسید که ای پسر عمران ما که دشمن تو فرعون باقی طاقی (باغی طاغی) را هلاک کردیم و از روی زمین برانداختیم تو هم یکدوستی ما داریم با ما قهر است و نزاع دارد برو میانه ما و او را اصلاح نما. (همان: ۴۶)

یک همچو گاوی یک جوانی داشت آمدند او را بخرند اول پنجتومان بعد فهمید که آنها طالبند لابدند که او را بخرند کم کم قیمتش را زیاد کرد. (همان: ۵۹)

۹-۳-۲. سرهم نوشتن حرف اضافه با عدد و معدود

موسی از راه رسیده گرسنه هشت روز در راه علف صحرا خورده که معصوم می فرماید بدنش سبز شده بود و نهایت گرسنگی را داشت بیکدانه رطب محتاج بود. (همان: ۱۳)

موسی فرمود شما اول بیندازید که این سحره یکمرتبه هشتاد هزار چوب و ریسمان تعبیه کرده بودند میان آنها را از سیماب پر کرده بودند شروع کردند بافسون خواندن آفتاب تابید بر آنها بیکمرتبه اینها بحرکت درآمدند و شروع کردن راه رفتن (همان: ۲۶)

۱۰-۳-۲. منفصل نوشتن حرف «ب» در آغاز افعالی مانند: به بینم، به بینید، به بر، به بخش، به بعد، به بند، تقریباً در اکثر کلمات، «ب» پیشوند مضارع التزامی و «ن» پیشوند فعل نفی و نهی را بر خلاف رسم الخط امروزی، جدا می نویسد. نه بینیم، نه بخشید، به بینم و ...

با خود گمان کرد که حالا یزید این اسرا را قسمت میکند من چشم بیندازم به بینم کدام یک بنظرم خوش تر می آید ... توقعی است مرا از تو ای امیر کل امیر به من به بخش کنیزی ازین زنان اسیر (همان: ۲۱)

فرعون گفت به بین این دختر تو چه قدر بی درد است که در چنین حالتی خنده میکند. (همان: ۴۲)

۱۱-۳-۲. متصل نوشتن صفات اشاره «این و آن» با کلمه پس از خود و افتادن حرف الف در پاره‌ای کلمات

نشدیدید کیفیت اندختر یهودی بود دختر جمیله داشت اندختر دو چشمش نابینا شد و دست و پاهایش آعرج و شل شد ... از درخت دیگر آواز مرغی شنید که زارزار مینالید اندختر یهودی چون آواز مرغی شنید خود را بپای اندرخت کشید ناگاه یک قطره خون گرم از بال انمرغ بر چشم دختر یهودی چکید ... (همان: ۳۳)



بیمار کربلا فرمودند وقتی که ما را وارد مجلس انملعون کردند وقت نهار آن ملعون بود انملعون غذا زهر مار میکرد اما خواهران کوچک من این اطفال صغیر همه گرسنه ... (همان: ۳۵)

۱۲-۳-۲. متصل آوردن حرف اضافه با صفت اشاره و موصوف

ولید غلامش را طلبید و گفت برو خدمت حضرت و بانجناب عرض کن که قدم رنجه فرمائید ساعتی در اینجا تشریف بیاورید. (همان: ۱۱)

۱۳-۳-۲. سرهم نوشتن «را» نشانه مفعول در پاره‌ای از موارد: پیغمبرانرا، کسیرا، چیزیرا، مظلومرا، حضرترا

به او می‌گفتند که تو آخر دعوت خواهی کرد و دولت فرعونرا بر هم خواهی زد. (همان: ۱۰)

و تو هنوز یادت نرفته است و خودت که صد هزار از طفلان بنی‌اسرائیل و پیغمبرزادگانرا کشتی بواسطه آنکه من بوجود نیایم خواطرت (خاطرت) رفته است. (همان: ۲۴)

عمر سعد از دی پیاده شده بود و میخواست سر قاسمرا از بدن جدا نماید حضرت شمشیری حواله او کردند دست خود را حمایل کرد دستش قطع شد صدا زد ای طایفه بنو ازد حسین مرا کشت حضرت هم چنانکه قاسمرا در بغل گرفت و او را بلند کرد عرض کرد عمو مرا بر زمین بگذار ... (همان: ۶۵)

۱۴-۳-۲. متصل آوردن صفت اشاره و موصوف با نشانه مفعولی

زینب خاتون بفرست فهمید که پدر را در خاب (خواب) دیده است هر قدر خواستند انظفلرا را ساکن کنند نتوانستند. (همان: ۱۳۰)

ام‌کلثوم خیال کرد که غش کرده دیگران گفتند تسلی یافته چون آمدند و انظفلرا حرکت دادند مرده بود. (همان: ۱۳۱)

۱۵-۳-۲. سرهم نوشتن «می» افعال استمراری: سرمیکنم، میدانمش، میروم، میگریست.

حضرات بعضی از اوقات بلبل در گلستان منقار خود را بر برگ گل میگذارند و خوانندگی میکند و غش میکند. (همان: ۷)



این است که معبرین تعبیر کفش را به زن و فرزند میکنند اقتباس از این جاست مثلاً خواب میبیند کفش در پایش کردند تعبیر میکنند میگویند زن میکنی یا آنکه کفش از پایش کردند در خواب میگویند زنش فوت میشود. (همان: ۱۶)

۱۶-۳-۲. نوشتن حرف «آ» بدون علامت در پاره‌ای از کلمات

این منحصر بجناب ابراهیم خلیل نبود که در میان اتش رفت و او را نسوزانید چند نفر از انبیا و اولیاء در اتش رفتند و اتش آنها را نسوزانید و در آنها تصرف نکرد بواسطه آنکه این اتش را کسی دیگر او را خلق کرده است و این طبیعت سوزنده کی را باو داده است. (همان: ۳)

بعضی نوشته‌اند از انجائی که موسی اتش را دید چهارده فرسنگ راه بود ... تا وقتی که رسید بان اتش نگاه کرد دید یک درختی سرتاپا سبز است و ان اتش از پای اندرخت شعله میکشد و بالا میرود موسی چون در خیال زنش بود ملتفت نشد که اتش از درخت سبز بیرون میاید رفت پیش اتش بردارد اتش شعله کشید. (همان: ۱۵)

۱۷-۳-۲. سرهم نوشتن حرف ندا با منادا در برخی موارد: ایحسین، ایعزرائیل، ایغاشیه، ایعجوز و ...

موسی روان شد صفورا پیش بود و موسی از عقب می‌رفت ناگاه بادی وزید و آن جامه صفورا پوشیده بود پس رفت و ساق پای صفورا نمایان شد موسی گفت ایدختر تو از عقب بیا و من پیش میروم هر وقت که راه را غلط کردم تو ریگ بردار و بینداز من میفهم. (همان: ۱۴)

جبرئیل نازل شد که ایموسی خداوند میفرماید که حاجت او را برآور موسی دعا کرد جوان شد و در بهشت هم قبول کرد که زن او باشد بعد از آن آنزن آمد و نشان داد و آن تابوت را بیرون آوردند و موسی عصایش را برود نیل زد آب شکافته شد و تهِ دریا نمایان شد آفتاب بر او تابید و خشک شد بنی اسرائیل گفتند ما دوازده قبیله هستیم می‌خواهیم هر کدام از یک کوچه برویم جبرئیل گفت ایموسی عصایت را بزن در آب. (همان: ۴۴)

۱۸-۳-۲. حذف همزه: نویسنده، در بیشتر کلمات همزه را از ابتدا و پایان کلمات حذف می‌کند و واژه را به واژه پیش از خود پیوسته می‌آورد. اغلب همزه فعل ربطی «است» نیز حذف می‌شود و به صورت متصل نوشته می‌شود، مانند: معلوم است = معلومست.

وقتی که رسیدند در مصر سراغ موسی را گرفتند گفتند در فلان باغ در خوابست آنها آمدند نگاه کردند دیدند موسی خوابیده است (همان: ۲۵)



فرق است میان کافر ملی و کافر فطری کافر فطری آنست که پدر و مادرش کافر باشند خودش هم کافر باشد و کافر ملی آن است که پدر و مادرش مسلمان باشند و او خودش از دین برگردد و مرتد و کافر شود. (همان: ۵۱)

۱۹-۳-۲. حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه» هنگام جمع بستن، مانند: «خانها»، «چشمها»، «لالها»، «سبزهها» به جای «خانهها»، «چشمهها»، «لالهها»، «سبزهها» و

حضرات همان وقتی را که آن بیابانی دید حضرت یگه و تنها در میدان ایستاده بودند که دیدند یک درویشی رو بخیمه‌های (خیمه‌های) حرم می‌رود. (همان: ۴۷)

خواست که او را بکشد که جبرئیل آمد و گفت ای موسی خداوند می‌فرماید او را مکش موسی متغیر شد پروردگارا همه فتنها (فتنه‌ها) را خودت میکنی (همان: ۵۰)

۲۰-۳-۲. نوشتن کلماتی مانند «ابراهیم» با رسم الخط «ابرهیم»

او را بر منجنیق کشیدند که خروش و فغان از ملئکه آسمان بلند شد عرض کردند پروردگارا در همه روی زمین همین یکی تو را می‌پرستد ابرهیم می‌سوزانند آیا اذن میدهی که ما بمدد او برویم. (همان: ۴)

شام که شد هرون برادرش وارد خانه شد سفره نانی داشت مادرش گفت به‌بر به نزد این میهمان بگذار هرون آمد نزد موسی سفره را گذارد و هم‌چنانچه شروع کرد بحرف هرون او را شناخت یک نعره زد و غش نمود. (همان: ۱۹)

۲۱-۳-۲. نقطه‌گذاری نادرست کاتب در برخی کلمات

حفصه: حفصه (همان: ۴۱)، مکس: مکش (همان: ۵۰)، عضا: عضا (همان: ۷۴)

۲۲-۳-۲. رکابه‌نویسی

ارتباط صفحات علاوه بر شماره‌گذاری با اعداد در بالای هر ورق، نیز با «رکابه» که «آخرین کلمه صفحه قبل را در بالای صفحه بعد می‌نویسد و در نسخه‌های خطی نقش صفحه‌شمار دارد» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۳۱) مشخص گردیده و کلمه اول صفحات زوج در پانویشت چپ صفحات فرد ذکر شده است.

۲۳-۳-۲. آوردن «جشنی» به صورت «چشنی»، و «به‌به» به صورت «په‌په»

همین که شب شد زنان از خانها بیرون آمدند دسته‌دسته دست یکدیگر را گرفته بودند و شهر زنان شده بود چشنی داشتند تماشا میکردند. (بی‌نام، ۱۲۷۵ ه. ق: ۲)



۲۴-۳-۲. ذکر کلمه «شهر» در معنی «شور و مشورت»

فرعون گفت بروم فکر کنم و با ندمای خود شهر کنم و بعد بتو میگویم. (همان: ۲۸)

آن مرد آمد با زن خود شهر کرد که تو چه می‌گوئی صاحبان مال و صاحبان حسن و صاحبان منصب همه آمده‌اند دختر ما را خواستگاری کرده‌اند حالا تو به کدام رضا هستی. (همان: ۵۷)

۴-۲. برخی اشکالات و اشتباهات نگارشی

این نسخه خطی با وجود نفیس بودن و داشتن کیفیت و خط مناسب، دارای برخی اشکالات دستوری و املائی است. وجود اشتباهات فاحش دستوری و نگارشی در نسخه‌های خطی بیشتر از سهو و بی‌دقتی کاتب ناشی می‌شود. هرچند علت‌های دیگری از قبیل کم‌سوادی و بی‌اطلاعی نیز می‌تواند در این امر دخیل باشد: «بسیاری از اغلاط، سهوآمیز است و بسیاری نیز از روی قصد و عمد صورت پذیرفته است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۲) در این نسخه نیز با توجه به اینکه این اشکالات حتی در آیه‌ها و اشعار نیز مشاهده می‌شود نشان می‌دهد که کاتب سهل‌انگاری داشته و به نگارش درست برخی کلمات چندان اهمیت نداده است.

۱-۴-۲: اشتباهات املائی و دستوری

بنده‌گی: بندگی (بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۶۸)، پیره‌زنی: پیرزنی (همان: ۴۳)، پیره‌مردی: پیرمردی (همان: ۳۹، ۴۳)، زنده‌گانی: زندگانی (همان: ۷۸)، سوزنده‌گی: سوزندگی (همان: ۲)، عظیم‌الجسه‌گی: عظیم‌الجنگی (همان: ۷۲):

به فرعون خبر دادند که پیره‌مردی آمده است و عرضی دارد گفت بگوئید بیاید (همان: ۳۹)

از این جهت بود که نعش آنجناب در میان رود نیل بود و لیکن کسی نمیدانست در کدام موضع است بواسطه آنکه سیصد سال گذشته بود یک پیره‌زنی آمد و گفت من میدانم. (همان: ۴۳)

هاتفی آواز دادش ای کیاء* بنده‌گی را هم بیاموز بیا (همان: ۶۸)

همچه: همچو (همان: ۴، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۲)، چه: چو (همان: ۷۷):

رفتند و گردش کردند و تفحص نمودند یک همچه گاوی یک جوانی داشت آمدند او را بخرند. (همان: ۵۹)

کفن بتن بدرم در عمارای ای سرور* رسد چه پایه تابوت من بدوش عمر* شود بقبر نمک‌پاش زخم تازه من* کند نماز چه بوبکر بر جنازه من (همان: ۷۷)



ایشرها: اشربه‌ها (همان: ۱۱۶)، اسرار: اصرار (همان: ۱۰۵)، اصلاح: اصلاح (همان: ۲۹)، انزار: انذار (همان: ۲۰، ۷۲)، بازخواست: بازخواست (همان: ۱۵۶)، بخاب: بخواب (همان: ۱۵۳)، بخور: بخر (همان: ۱۳۳)، برخواست: برخاست (همان: ۱۲، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۶۲، ۶۹، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۹۱، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۴۳، ۱۴۹)، برخواستند: برخاستند (همان: ۱۲، ۴۲، ۵۸، ۶۹، ۷۹، ۸۴، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷)، برخواسته: برخاسته (همان: ۱۳۴، ۱۴۹)، برمی‌خواست: برمی‌خواست (همان: ۳۷)، برنص: بُرُئس (همان: ۱۳۵)، پدرد: پدرت (همان: ۱۳۰)، خاب: خواب (همان: ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۵)، خابیده: خوابیده (همان: ۱۴۶)، خاست: خواست (همان: ۶)، خان: خوان (همان: ۱۵۳)، خاند: خواند (همان: ۱۲۸)، خاندن: خواندن (همان: ۱۳۶)، خاهش: خواهش (همان: ۱۲۷)، خاهی: خواهی (همان: ۱۴۳)، خواتون: خاتون (همان: ۸۰، ۱۱۷)، خوار: خار (همان: ۹۹)، خواری: خاری (همان: ۵۸)، خواطر: خاطر (همان: ۵، ۸۴، ۹۳، ۱۰۵، ۱۵۴)، خاموش: خاموش (همان: ۱۰۳)، خوردسال: خردسال (همان: ۱۶)، خورزیش: خون‌ریزش (همان: ۱۰۴)، خورسند: خرسند (همان: ۱۴۳)، خوشنود: خشنود (همان: ۲۵، ۶۱)، خوش‌نود: خشنود (همان: ۹)، خوشنودی: خشنودی (همان: ۳۵، ۱۱۱)، خوش‌نودی: خشنودی (همان: ۱۳۸)، درسدد: درصدد (همان: ۱۲)، دوروغ: دروغ (همان: ۳، ۲۵)، ریزه: ریزه (همان: ۱۳۵، ۱۳۷)، زراع: ذراع (همان: ۷۳، ۱۰۳)، زرع: ذرع (همان: ۷۶)، زله: ذله (همان: ۳۳)، سوقات: سوغات (همان: ۱۲۱، ۱۲۲)، صفق: صعق (همان: ۱۵۵)، صلب: سلب (همان: ۳۷)، طالار: تالار (همان: ۱۱۳)، طلاطم: تلاطم (همان: ۱۱۲، ۱۱۳)، عرزه: عرضه (همان: ۱۲، ۹۹)، عظم: عزم (همان: ۱۵۳)، علی‌هائی: علل‌هایی (همان: ۲۸)، قضا: غذا (همان: ۲۸، ۲۹، ۱۵۳)، کلثم: کلثوم (همان: ۷۰)، کور طور: کوه طور (همان: ۱۴۱)، لاوده: لاوه (همان: ۷۰)، مادرد: مادرت (همان: ۱۵۷)، مؤاذب: مواظب (همان: ۸۸)، می‌خابم: می‌خوابم (همان: ۹۹)، می‌خاستند: می‌خواستند (همان: ۴)، می‌خاهم: می‌خواهم (همان: ۴۰، ۸۳، ۱۲۱)، می‌خاهند: می‌خواهند (همان: ۷۴)، می‌خاهی: می‌خواهی (همان: ۱۵، ۸۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۲۲، ۱۲۷)، ناخون: ناخن (همان: ۱۴۳)، نه‌پزیرفتند: نپذیرفتند (همان: ۷۵)، یاقی: یاغی (همان: ۱۷، ۳۹، ۴۵)، یاقی طاقی: یاغی طاقی (همان: ۴۶)، یوق: یوغ (همان: ۵۹):

عبدالله عمر گفت یزید چه عرزۀ (عرضه‌ای) و قابلیت‌ی دارد ... حضرت برخواستند (برخواستند) همین که حضرت برخواستند (برخواستند) و چند قدمی آمدند مروان حکم در آن مجلس حاضر بود گفت ای امیر همین حالا یا بیعت از حسین بگیر یا سرش را از برای یزید بفرست. (همان: ۱۲)

من رسولم از جانب خداوند عالم و مامورم که ترا هم بردارم برویم او را هدایت کنیم و انزار (انذار) کنیم هر دو آمدند بدر قصر فرعون فرعون هفت دربند داشت که همه آن دربنده‌ها هَرُس (حَرَس) و پاسبان ایستاده بودند و نمیگذاشتند که احدی برود. (همان: ۲۰)



۲-۴-۲: اشتباه در ذکر آیات و احادیث

وَقَالَ لَأَهْلِهِ امْكُثُوا: فَقَالَ لَأَهْلِهِ امْكُثُوا (همان: ۱۵)، اَتَوَكَّوْهُ عَلَيْهَا وَ أَهَشُّنُ: اَتَوَكَّوْهُ عَلَيْهَا وَ أَهَشُّ (همان: ۱۸)، فقولوا لَأَلَّةً قَوْلًا لَيْتًا: فقولوا لَهُ قَوْلًا لَيْتًا (همان: ۲۰)، و ارسلا: فَارْسَلْنَا (همان: ۳۳)، فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا: فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا (همان: ۷۴)، اِثْنَى بَشْرِبَهُ مِنَ الْمَاءِ: اسقنى بشربه من الماء (همان: ۱۴۹)، يستوى الاعلى: يستوى الاعمى (همان: ۱۵۳)، تعرف المجرمون بسيماهم: يعرف المجرمون بسيماهم (همان: ۱۵۸)

۲-۴-۳: اشتباه در ذکر اشعار

دولت آنست که با خون دل آید به کار/ ورنه با سعی عمل باغ جنان نتوان دید: دولت آن است که بی خون دل آید به کنار/ ورنه با سعی و عمل، باغ جنان این همه نیست (همان: ۱۴)، من سگی گشتم تو مرشدزادگان: من سگی گشتم تو مُرسلزادگان (همان: ۲۳)، موسیا تو غالباً و لاتخف: موسیا تو غالب آبی لا تخف (همان: ۲۶)، تو با دشمنان نظر داری: تو که با دشمن این نظر داری (همان: ۳۲)، مژده مژده کان سگ شوم از جهان/ شد به خواری در جهنم او روان: مژده مژده ای گروه عیش ساز/ کان سگ دوزخ به دوزخ رفت باز (همان: ۴۵)، هاتفی آواز دادش ای کبیا/ بندگی را هم بیاموز [او] بیا: گفتش اندر خواب هاتف کای کیا/ بنده بودن هم بیاموز و بیا (همان: ۶۸)، رمز و سر علم السما شنو: سر رمز علم الاسماء شنو (همان: ۱۴۰)، گوش خیر بفروشی دیگر گوش خیر / کین مکان را در نیاید گوش خر: گوش خر بفروش و دیگر گوش خر/ کاین سخن را در نیابد گوش خر (همان: ۱۵۴)

۲-۴-۴: تکرار حرف، واژه و عبارت

بعد از اینکه (همان: ۸)، به عنوان (همان: ۴۲)، باز (همان: ۴۴)، فرمود: کدام یک از شما هر شب را احیا می کند؟ سلمان گفت که من (همان: ۹۹)، هر کس (همان: ۱۱۳)، حضرت (همان: ۱۱۷، ۱۲۱)، در فلان (همان: ۱۳۱): یک روزی حضرت رسول فرمود: کدام یک از شما هر شب را احیا می کند؟ سلمان گفت که من فرمود: کدام یک از شما هر شب را احیا می کند؟ سلمان گفت که من فرمود: کدام یک از شما هر روز ختم قرآن می کند؟ سلمان گفت که من. (همان: ۹۹)

۲-۴-۵: حذف «و» معطوف و افتادگی قسمتی از واژه

فتنه [او] شر (همان: ۱۱)، میخوای [هی] (همان: ۱۰)، سعی [او] عمل (همان: ۱۴، ۶۰)، بی جرم [او] زیان (همان: ۲۳)، اراذل و اوباش [او] الواط (همان: ۳۱)، دو [ار] (همان: ۳۲)، تکرار [ار] (همان: ۳۸)، هروان [الرشید] (همان: ۱۱۱)



۶-۴-۲: اشتباه در ذکر نام برخی اشخاص

موسی و فرعون آمدند: موسی و هارون آمدند (همان: ۲۰)، اول آمد نزد زنش صفورا و گفت موسی می‌گوید: اول آمد نزد زنش آسیه ... (همان: ۲۸)، بنو اسد: بنو ازد (همان: ۶۵)، ام‌النبین: ام‌النبنین (همان: ۸۰)

۷-۴-۲: ادامه ندادن برخی قسمت‌ها و رها کردن مطلب

و چند نفر از اراذل و اوباش [و] الواط برداشت و به در خانه لنگر زمین و آسمان امیرالمومنان آمد دق‌الباب کرد و انسیه حورا ... (همان: ۳۱)، در مثنوی آن شنیدم ... (همان: ۳۳)، می‌خواهم خدمت پیغمبر مشرف شوم حضرت صدای او را شنیدند و فرمودند ... (همان: ۴۱)، دیدند یک درویشی رو به خیمه‌های حرم می‌رود و مناسب است احوال درویش ... (همان: ۴۷)، شمر ملعون و سنان بن انس [و] خولی ملعون هر کدام می‌گفتند که ما قاتل ... (همان: ۵۴)، وقتی که جناب حسین خطبه می‌خواند گریه گل‌پوش را گرفت ... (همان: ۶۵)، وقتی که ابوطالب از دنیا رفت یک‌روزی ابو جهل ملعون چند نفر را برداشت و گفت ... (همان: ۷۱)، این عبدالله شنیده‌اید فرزند جناب امام حسن مجتبی ای مفصلاً حکایت او را عرض کنم این عبدالله طفل بود که جناب امام حسن از دنیا رحلت فرمود جناب ... (همان: ۷۵)، سر را از گردن اسب باز کرد و برد بیرون مکه در مزاری که حال مشهور به رأس‌الحبيب است مدفون کرد اما حبيب را زود سر را به بدن ملحق کردند دیگر چوب کین بر لب و دندانش نزدند کیفیت سر حسین (ع) ... (همان: ۹۴)

۵-۲. ویژگی‌های زبانی

۱-۵-۲. کاربرد مترادفات فارسی و عربی با هم؛ همچنین استعمال مترادفات به صورت پشت سر هم که گاهی به حشو منجر شده است، مانند: مال و اموال (۳۷)، رنجور و علیل (۴۱)، حلی و حلل (۴۲)، فتح و ظفر (۷۳):

وزیرش هاما گفتم این قسمی که فرعون بذل و جود و بخشش میکند دیگر چیزی در خزانه نمی‌ماند قرار داد اینهایی که طعام فرعون حاضر می‌شوند قاطبه همه مردم نیایند. (همان: ۳۰)

یک ضعیفه بود از بنی اسرائیل این را حکم کرده بودند که توبره گچ بر دوش بکشد و بالای قصر به‌برد این زن بار حمل هم داشت وقتی که این توبره گچ بر دوش او بود و بالا می‌برد هم‌چنانکه در وسط راه رسید او را درد مخاض و زائیدن گرفت ... (همان: ۳۱)



نشنیدید کیفیت اندختر یهودی بود دختر جمیله داشت اندختر دو چشمش نابینا شد و دست و پاهایش
 أعرج و سُئل شد ... (همان: ۳۳)

۲-۵-۲. کاربرد کلمات عربی: مواقع (همان: ۲) در معنی مقاربت، جماع، نزدیکی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۱۷۳۶)،
 حَلَّت (بی نام، ۱۲۷۵ هـ ق: ۴)، مِرْوَحَه (همان: ۷)، صَبِیح (همان: ۷)، مُرْضِعَه (همان: ۹)، مَخَاض (همان: ۱۵)، تَشَاجُر
 (همان: ۱۶)، تَفَرُّعُن (همان: ۳۲)، دَوَابَّ (همان: ۴۲)، مَوَاشِی (همان: ۴۲)، كُوسَج (همان: ۸۸)، استیحاش، استعجاب
 (همان: ۸۹) و ... که در متون تاریخی و اسلامی رایج است.

۲-۵-۳. کاربرد لغات ترکی: صفورا را مخاض و درد زائیدن گرفت حالا هم هوا بسیار سرد است موسی سنگ و
 چخماق را برداشت ... (همان: ۱۵). چخماق به معنی سنگ آتش زنه، سنگ آتش. (معین، ۱۳۸۷: ۴۰۶)

نویسنده هم واژه عربی «مخاض» را همراه با مترادفش ذکر کرده، هم واژه ترکی «چخماق» را آورده و هم واج آرایی
 «س» بکار برده است.

مرتبۀ دیگر صفادعرا موسی امر کرد که بر آنها مسلط شدند از این ضفدعها که باصطلاح عوام قورباقه میگویند بیرون
 آمد و بر آنها مسلط شد. (بی نام، ۱۲۷۵ هـ ق: ۳۲)

حالا خواهی گفت که تحصیل خاک هم مشقت دارد اذن دادند بهمان دَشک که بر روی او خوابیده تیمم کن. (همان:
 ۱۰۰)

سلطان خان (خوان) نهار حاضر شد فرمود بادنجان خوب قضای (غذای) لذیذی است گفت بلی قربانت شوم شاه
 گفت لیکن سودا غالب میشود بر اکلین او گفت بله قربانت شوم شاه گفت قَرَمَساق هر چه من میگویم تو میگوئی
 گفت قبله عالم من نوکر بادنجان نیستم من نوکر شاه هستم. (همان: ۱۵۳) و تَکِه: بز نر (همان: ۱۴)، تَتَّق (همان:
 ۵۴)، قیه کشیدن (همان: ۶۴)، سوقات (همان: ۱۲۲)، قاپچی (همان: ۱۴۵) و ...

۲-۵-۴. ذکر برخی کلمات در معانی خاص: «دانستن» در معنی «توانستن»: ... که دیگر مردم نمی دانستند
 استهلال کنند (همان: ۵۴). «مَعَ» بجای «با»: خودش مع ملازمانش سوار بر اسبهای تازی میشدند (همان: ۶۷).
 «زیست» به جای «زندگی»: ما دیگر در این شهر نمی توانیم زیست کنیم (همان: ۵۸). «گردش نمودیم» به جای
 «گشتیم، جستجو کردیم»: گردش نمودیم او را نیافتیم (همان: ۳). «آئین» در معنی «آذین»:



در وقتی که اهل بیت سیدالشهدا را آوردند وارد مجلس یزید کردند این مسخره در شهر نبود وقتی که وارد اَشهر شد [نگاه کرد دید شهر را آئین بسته‌اند. (همان: ۲۰)

۵-۲-۵. کاربرد اصطلاحات عامیانه: رُکی مُرده است (همان: ۱۵۴)، یا آنکه چیزی خوردشان داد (همان: ۵۲)، زهر مار کردن بجای غذا خوردن (همان: ۳۵)

۶-۲-۵. جایجایی یا رقص ضمیر: من به کسی این راز، اظهار او را نخواهم کرد (همان: ۲) به جای اظهار نخواهم کرد.

صفت جانشین موصوف: در کارِ حکیم چون و چرا نماید (همان: ۴۷)

۷-۲-۵. آوردن ضمیر ذی‌روح به غیر ذی‌روح: آمد بنزد موسی و گفت مرا بردار، موسی او را برداشت (همان: ۱۱۵). او چه چیز است (همان: ۲۴) «من و او» در وصف عصاست.

فرعون او را هم مَهر کرد. (همان: ۳۹) «او» به جای نامه که غیر جاندار و بی‌روح است، آمده است.

یک مرتبه آن پرده‌ای که نصب کرده بود او را برداشت. (همان: ۴۹) «او» ضمیر ذی‌روح به جای پرده آمده است.

۸-۲-۵. تکرار فعل: حالت باطن آنها ظاهر می‌شود یکی خرس می‌شود یکی خوک می‌شود یکی مار می‌شود یکی عقرب می‌شود و دیگر هر کسی به هر صفتی که در اوست محشور می‌شود. (همان: ۱۹)
مرتد شد کافر شد از دین برگشت نجس شد. (همان: ۵۲)

۹-۲-۵. آوردن ضمیر جمع برای فعل مفرد: ما آنها را حفظ می‌کنم. (همان: ۱۹)

کاربرد «را» در معنی «حرف اضافه»: گفت هامان را بگوئید. (همان: ۳۱)

۲-۶. برخی ویژگی‌های ادبی و بلاغی

از آنجا که موضوع اثر جنبه روایی و داستانی دارد، صور خیال و آرایه‌های بدیعی بکار گرفته شده در اثر بسیار نادر است تا جایی که نمونه‌های معدود و محدودی از تشبیه و کنایات عادی و رایج زبان فارسی را می‌توان در آن سراغ گرفت.

۱-۲-۶. کاربرد جناس



جناس اشتقاقی: «تحصیل حاصل» (همان: ۲۹)، «خُلَّت، خلیل» (همان: ۴)، «تاسع، تسع» (همان: ۴۲) نویسنده بحث آیات تسع را در المجلس التاسع آورده و به ارتباط ظاهری این دو واژه توجه داشته است. «حُلّی و حَلّ» (همان: ۴۲، ۴۹)، «ملبّس، لباس» (همان: ۴۶)

جناس ناقص یا محرف: «کلیم، کلیم» (همان: ۴۷)

جناس خطی: «رحیم، رحیم» (همان: ۴۷)

جناس زاید: «ناگاه، نگاه» (همان: ۱۵)، «تاسع، تسع» (همان: ۴۲)، «معقول، عقول» (همان: ۴۷)

۲-۶-۲. استعمال سجع: «به قوّت نبوّت، نمرود مردود» (همان: ۴)، «قوّت و امانت» (همان: ۱۴)، «حکیم، کلیم» (همان: ۴۷)، «هاویه، معاویه» (همان: ۱۱)، «یاغی، طاغی» (همان: ۱۷، ۳۹، ۴۵)، «اصلاً، قطعاً» (همان: ۲۹)، «قوّت، شوکت» (همان: ۳۱)، «باغی طاغی» (همان: ۴۶)، «کریم، کلیم، کلیم» (همان: ۴۷):

آن مظلومه اسیر از حرکت بیجای ظهیر خروش از دل برآورد. (همان: ۲۱)

من دانستم که خلافت من هدایت است ضلالت نیست. (همان: ۳۰)

ای کلیم این بنده ضعیف چون لطف عمیم حضرت کریم را سزاوار است خلقت جحیم نمی داند. (همان: ۴۷)

۲-۶-۳. اغراق: در بابل آتش افروخته بودند و در شام شعله او را دیدند (همان: ۴)، آن قدر بلند شد از نظر بالا رفت. (همان: ۱۱۹)

۲-۶-۴. پارادوکس: بلی از این جور اشخاص خوش ذات بسیار هستند (همان: ۳) در ماجرای همسایه مادر حضرت موسی که وجود فرزند پسر در خانه آنها را به فرعونیان خبر داد به جای «بدذات»، «خوش ذات» آورده است.

۲-۶-۵. اسلوب الحکم: تو عجب احمقی هستی پیش از برف به بام می روی (همان: ۱۱) یعنی قبل از اتفاق، داوری و رأی صادر می کنی.

۲-۶-۶. ضرب المثل: شستش هم خبردار شد (همان: ۴۵)، الحرب خُذْعُه (۶۴)، جوینده است یابنده (همان: ۱۲۴)، الحق مُرُّ (همان: ۱۵۴)



۲-۶-۷. **تکرار برای تأکید:** کاربرد تکرار در این اثر علاوه بر داشتن جنبه موسیقایی، موجب تأکید بر یک واژه یا ترکیب و در نتیجه تفهیم مطلب مورد نظر نویسنده شده است. بسامد و کاربرد این آرایه در متن نسبت به دیگر زیورهای ادبی زیاد است.

برو او را بردار لکن او را بردار محافظت کن (همان: ۱۵)

۲-۶-۸. **تشبیه:** مانند کردن علی اکبر و علی اصغر به گل‌های رنگارنگ، اشک به چشمه (همان: ۵)، گلستانِ قتلگاه (همان: ۶)، دانه‌های اشک چون لؤلؤ شاهوار بر رخسار آن نور دیده حیدر کرّار چون مروارید غلطان جاری بود. (همان: ۱۶)، مرهمِ ملاحظت. (همان: ۱۷)

۲-۶-۹. **کنایه:** و بعد از اینکه مقدر نشده است اگر شخص خودش را هلاک کند و زمین را بر آسمان بدوزد هیچ ساخته نمی‌شود. (همان: ۱۴)

ای پسر مرچانه اگر این پنج‌روزه نوبت تست تا به هنگام حشر نوبت ماست. (همان: ۳۵)

۲-۶-۱۰. **مجاز:** یا رسول الله خیال کردم که این امر از دو حال بیرون نیست یا پیغمبری یا پیغمبر نیستی اگر پیغمبر نیستی که تو را کشته‌ام و جان عالمی (مجاز از مردم عالم) را خلاص کرده‌ام و اگر پیغمبری و بر حقی خدا نمی‌گذارد که تو از این برّه بخوری. (همان: ۴۱)

۲-۶-۱۱. **تضاد (طباق):** راوی می‌گوید این دختر شیرین‌زبان کاری در قتلگاه کرد که دوست و دشمن گریستند. (همان: ۶) آن که در آتش حفظ کرد در آب هم حفظ می‌کند. (همان: ۸) فرعون قرار داده بود که هر روز جمیع اهل شهر را صبح و شام اطعام می‌کرد. (همان: ۲۹)

۲-۶-۱۲. **واج آرایه:** دسته‌دسته دست یکدیگر را گرفته بودند. (همان: ۲) رفت پیش آتش بردارد آتش شعله کشید. (همان: ۱۵)

۲-۶-۱۳. **تلمیح و کاربرد آیات و احادیث:** با توجه به موضوع اثر، نویسنده در این نسخه خطی به زندگانی و سرگذشت تعداد قابل توجهی از پیامبران مشهور اشاره کرده و آیات مربوط به آنها را از قرآن کریم ذکر نموده است بنابراین از حیث آرایه تلمیح و اشاره به داستان دیگران درخور توجه است.

با بکارگیری فراوان آیات قرآنی به صورت مستقیم یا ترجمه و اقتباس در متن اثر، قرآن کریم را یکی از اصلی‌ترین منبع مورد استناد مؤلف می‌توان برشمرد:



هم‌چنان که او را پرتاب کردند در آتش که خطاب رسید یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم ای آتش سرد و سالم شو بر ابراهیم که دفعتاً آتش بر خلیل گلستان شد. (همان: ۴) برگرفته از سوره انبیا/۲۱، آیه/۶۹.

چون معاویه علیه‌الهاویه به جهنم واصل شد یزید ملعون بر تخت خلافت قرار گرفت. (بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۱۱) نویسنده با آوردن «معاویه» در کنار «هاویه» هم سجع متوازی برقرار کرده و هم واژه قرآنی را از آیه ۹ از سوره القارعه/ ۱۰۱ اقتباس کرده است. «فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ: پس جایگاهش هاویه است». (انصاریان، ۱۳۹۴: ۶۰۰)

خوب موسی! معجزه‌ات چه چیز است؟ آخر پیغمبر معجزه می‌خواهد. وَ نَزَعَ يَدَهُ [فَإِذَا هِيَ] بَيْضَاءٌ لِلنَّاطِرِينَ دستش را در بغلش کرد بیرون آورد یک نوری از او ساطع شد که غلبه کرد بر نور آفتاب، گفت: ای فرعون! یک معجزه دیگر هم دارم. پرسید او چه چیز است؟ فَالْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ عصایش را انداخت به روی زمین یک اژدهائی شد که هشتاد ذرع طول او شد و به حرکت درآمد و شروع کرد به راه رفتن و رو به قصر فرعون و تخت او آورد و خواست که او را ببلعد فرعون از تخت جست و فرار نمود و غش کرد و بعد ازان موسی آن روز را رفت در خانه و این اژدها هم برگشت مثل سگی که از عقب شیان بیاید. (بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۲۴) با توجه به این نکته که داستان مربوط به حضرت موسی علیه‌السلام می‌باشد لذا نویسنده برخی از آیات مربوط به داستان حضرت موسی را از سوره‌های شعرا، اعراف و طه به صورت اشاره، حل و اقتباس ذکر کرده است.

«اگر کسی به هم رسد که سخن حق بگوید بدشان می‌آید الحق مرگوش به سخن نمی‌دهند، افسانه می‌پندارند». (همان: ۱۵۴). اشاره دارد به حدیثی از حضرت رسول (ص) که می‌فرمایند: الْحَقُّ ثَقِيلٌ مَرٌّ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلُوٌّ وَ رَبُّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تَوْرَثُ حَزْناً طَوِيلاً: حق سنگین و تلخ است و باطل، سبک و شیرین و بسا خواهش و هوا و هوسی که لحظه‌ای بیش نمی‌ماند، اما غم و اندوهی طولانی به دنبال می‌آورد». (سایت کتابخانه احادیث شیعه)

نویسنده از ۸۶ آیه قرآنی و ۲ حدیث در متن اثر به صورت مناسب بهره برده است.

جدول بسامد و بکارگیری آیات قرآنی در نسخه خطی

سوره	شماره آیات	سوره	شماره آیات
بقره	۳۰-۳۱-۵۴-۵۵-۵۸-۶۰-۶۱-۶۷-۶۸	سجده	۱۱
	۷۰-۷۱-۲۶۰		
نساء	۱۴۵	سبأ	۱۴
مائده	۲۴	صافات	۱۰۲



۳۶-۱۶	غافر	۱۶۰	انعام
۲۹	فصلت	۷-۷۲-۱۰۷-۱۰۸-۱۱۵-۱۳۳-۱۴۲	اعراف
		۱۷۹-۱۶۰-۱۵۵-۱۵۰-۱۴۳	
۴۳	زخرف	۲۷	انفال
۳۰	ق	۹۱-۸۸	یونس
۹	نجم	۴۶	هود
۱۰	صف	۵۳	یوسف
۲	ملک	۱۶	رعد
۲۱	انسان	۲۲	ابراهیم
۲۴	نازعات	۱۰۱	اسراء
۱۳-۱۲	تکویر	۱۰-۱۷-۱۸-۱۹-۲۱-۲۲-۲۴-۲۹-۳۰	طه
		۴۴-۵۹-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۸۸-۹۴	
		۹۶	
۱	غاشیه	۸۳-۶۹	انبیاء
۱۰-۸-۷-۶	فجر	۳۳-۳۲	شعراء
۵	ضحی	۹-۲۶-۷۶-۷۹	قصص
۹	قارعه	۵۷-۴۰	عنکبوت

۱۴-۶-۲. استفاده از اشعار فارسی: استشهادهای مکرر نویسنده به اشعار فارسی پیشینیان و مرثیه‌های شعرای معاصر خود در متن نسخه خطی نشان‌دهنده تسلط نویسنده بر آثار بزرگان و مطالعه گسترده منابعی است که حاوی اشعار شاعران است. در مجموع دویست و بیست و چهار بیت شعر در این اثر گنجانده شده است که ابیات منقول از شعرای مشهور گذشته به‌ویژه مثنوی مولانا بیشتر جنبه تعلیمی، حکمی و پند و اندرز دارد و اشعاری که از خود نویسنده یا میرزا جوهری آمده اکثراً مرثیه هستند و در تعزیت و ذکر مصیبت حضرت حسین (ع) و یاران باوفایش می‌باشند.

«مذکور است که اگر خداوند سلاماً را نمی‌فرمود خلیل از سردی و برودت هلاک می‌شد.

ای شاد و خرم باد روح مولوی کاین چنین گفته است اندر مثنوی
خوش‌تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران»

(بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ.ق: ۵)



تضمین بی‌تی از مثنوی مولوی است. (مولوی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۱)

با توجه به آمدن قصه موسی در مثنوی شاعر در بخش‌های مختلف نسخه، اشعاری از هر شش دفتر مثنوی مولانا را در لابلای داستان ذکر کرده است.

«در آن سال هر چه یعنی فرزند ذکور بوجود می‌آمد، همه را کشتند.

صد هزاران طفل سر ببریده شد تا کلیم الله صاحب دیده شد»

(بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۱)

در منطق الطیر به جای «شد»، «گشت» آمده است. (عطار، ۱۳۷۴: ۲۰۰)

«وقتی که خداوند می‌خواهد چیزی به کسی بدهد خودش اسباهش را فراهم می‌آورد، گفت:

دولت آن است که با خون دل آید به کار ورنه با سعی عمل باغ جنان نتوان دید»

(بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۱۴)

شعر از غزلیات حافظ با اندک تغییرات و اشتباهاتی انتخاب شده است:

«دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار ورنه با سعی و عمل باغ جنان این همه نیست»

(حافظ، ۱۳۷۳: ۶۸)

«... خطاب رسید که ای موسی این تکبر و تفرعن و جهود او هیچ ضرری به دستگاه ما نمی‌رساند چون رو به درگاه

ما آمد نخواستیم و از کرم دور بود که او را محروم برگردانم ای گفت:

دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری»

(بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۳۲)

شعر برگرفته از گلستان سعدی است:

ای کریمی که از خزانه غیب گبر و ترسا وظیفه‌خور داری

دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان این نظر داری؟

(سعدی، ۱۳۷۴: ۴۹)



«خطاب مستطاب از حضرت باری در رسید که یا موسی فرمان دادم که بنده ما را به سوی ما طلب نمائی نفرمودم که به سیلی غضبش ادب نمائی زبان حال است:

تند خوئی ز تو نبود معقول کَلِمَ النَّاسِ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِ»

(بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۴۷)

با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوی. «اشاره است به حدیث نبوی که در احیاء علوم‌الدین غزالی با این عبارت ضبط شده است: اَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ النَّاسَ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ: ما گروه پیغمبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازه خرده‌هایشان سخن گوئیم». (خزائلی، ۱۳۷۵: ۵۴۸)

نویسنده در ذکر داستان اوئیس قرنی می‌فرماید: «وقتی که حضرت تشریف آوردند و فرمودند: ای ام‌سلمه بوی اوئیس قرن را می‌شنوم، اینجا آمده بود؟ عرض کرد: فدایت شوم من که او را نمی‌شناختم. یک جوانی آمده بود اینجا، شما را می‌خواست تشریف نداشتید، برگشت و گفت: چه فایده که از مادرم اذن ندارم بمانم. بلی گفت:

سال‌ها باید که تا یک مرد حق آید پدید بوسعیدی از خراسان یا اوئسی از قرن»

(بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۸۹)

بیت با اندک تغییراتی از قصاید حکیم سنایی غزنوی است:

قرن‌ها باید که تا از پشت آدم نطفه‌ای بوالوفای کرد گردد یا بشود ویس قرن

(سنایی، ۱۳۸۸: ۴۸۶)

در حاشیه همین صفحه دیوان سنایی، نسخه بدل را «بایزید اندر خراسان یا اوئیس اندر قرن» ذکر کرده‌اند که به بیت مذکور در این نسخه نزدیک‌تر است. آنگونه که از مطالعه این اثر برمی‌آید مثنوی مولانا و مرثیه‌های میرزا جوهری بیشتر مورد توجه نویسنده بوده است.

بسامد بکارگیری اشعار در نسخه خطی

شاعر	مؤلف نسخه	مولوی	سعدی	میرزا جوهری	طراز یزدی	محتشم
بیت	۹۴	۴۵	۹	۲۱	۳	۱
شاعر	حافظ	شیخ بهایی	کاتب	سنایی	عطار	ناشناس
بیت	۲	۲	۲	۱	۱	۴۳



۲-۷-۲. ویژگی‌های فکری: در بررسی نسخه خطی «قضایای حضرت موسی ...» می‌توان به موضوعات و مضامین ذیل اشاره کرد:

۲-۷-۱. ذکر حوادث تاریخی زمان حضرت موسی و برخی وقایع عاشورا: هدف اصلی این نسخه بیان وقایع تاریخی حضرت موسی (ع) از لحظه پیشگویی منجمان در خصوص تولد آن حضرت تا زمان مرگ حضرت موسی (ع) است که نویسنده با تبحر و استادی در مجالس مختلف این کتاب به زندگانی و حوادث پیامبران دیگر و همچنین به وقایع عاشورا و شهادت حضرت حسین (ع) و اسرای کربلا می‌پردازد.

۲-۷-۲. بیان اندیشه‌های اخلاقی و دینی: از جمله مضامین اخلاقی و دینی که در این اثر کاربرد بسیاری دارد می‌توان به: لزوم تسلیم در برابر اراده و خواست خداوند و قضا و قدر الهی، ترک دنیاخواهی و ترجیح دادن زندگی اخروی به سرای سپنجی، دوری از هوای نفس، بی‌اعتباری دنیای فانی، توکل به خداوند در همه امور، نشر اخلاق و پایبندی به اصول اشاره کرد:

حالا ببینید بعد از اینکه شخص امرش را به خداوند وامی‌گذارد و توکل بر او می‌کند خداوند چگونه کار او را درست می‌کند. (بی‌نام، ۱۲۷۵ هـ. ق: ۸)

در مجلس پنجم در نکوهش خودخواهی و تکبر می‌گوید: «... بعینه این صفت فرعونیت در انسان هست که هر چه عیب خودمان داریم نبینیم و عیب دیگران را بجوئیم. کور خودمان شده‌ایم بینای مردم». (همان: ۲۴)

در مجلس دهم وقتی حضرت موسی می‌خواهد سامری را به خاطر گمراه کردن بنی اسرائیل بکشد، از طرف خداوند ندا می‌آید که او را مگش چون بخشنده است: «ای موسی این یک صفت خوبی دارد اِنَّ الرَّجُلَ سَخِيٌّ اِیْنِ سَخَاوْتِ دَارِد و تا امروز احدی را از مال خودش مأیوس نکرده است». (همان: ۵۰)

۲-۷-۳. شیعه بودن نویسنده: با وجود اینکه نویسنده هیچ اطلاعاتی از خود در متن نسخه وارد نکرده است ولی فحوای کلام و محتوای اثر نشان می‌دهد که مؤلف از شیعیان آتشین و معتقد می‌باشد و همین اعتقاد راسخ وی از لابلای عبارات کتاب و گریزهای هنرمندانه‌ای که به وقایع عاشورا و حوادث بعد از کربلا می‌زند به خوبی نمایان است و به احتمال زیاد نویسنده، موضوع اصل کتاب یعنی پرداختن به ماجرای حضرت موسی علیه‌السلام را بهانه‌ای کرده تا ضمن آن به ذکر مصیبت اهل بیت و رواج باورهای مذهبی خویش پردازد چرا که حکایات مربوط به پیامبر اسلام



(ص)، حضرت علی و حسین (ع)، حضرت فاطمه (س)، همچنین اصحاب پیامبر از قبیل سلمان و ابوذر که بیشتر به اهل بیت گرایش داشته‌اند نزدیک به نصف کتاب را دربرمی‌گیرد.

۴-۷-۲. **استناد به روایات ضعیف:** موضوعاتی از قبیل عروسی حضرت قاسم (ع) هر چند در برخی از منابع مربوط به حوادث کربلا ذکر شده ولی به شدت مورد انتقاد و تکذیب بزرگانی همچون شهید مطهری قرار گرفته است ولی در این منظومه با توصیفات گسترده و مفصل آمده است یا ماجرای آب خواستن حضرت حسین (ع) از شمر که دو بار در صفحات ۱۶ و ۱۴۸ این اثر ذکر گردیده است:

«وقتی که مظلوم کربلا در گودال قتلگاه بی‌هوش افتاده بود صندوق سینه‌اش سنگینی کرد چشم گشود چشمش به شمر با خنجر کشیده افتاد و حضرت خطاب به شمر کرد و فرمود: ای ظالم حالا که مرا می‌کشی اسقنی بشر به من الماء». (همان: ۱۴۸) که پژوهشگران این عبارت را از امام حسین علیه‌السلام نمی‌دانند و اعتقاد دارند که مقتل نویسان و روضه‌خوانان سخنانی را به حضرت نسبت داده‌اند که هرگز سند و مدرکی برای آن‌ها نمی‌توان یافت.

۵-۷-۲. **گره زدن وقایع عاشورا و حوادث کربلا با مصائب و داستان انبیای الهی و ذکر مصیبت** امام حسین (ع)، شهیدان و اسرای کربلا از نکات بارز این مجموعه است که صاحب اثر از هر فرصتی برای نوحه‌سرایي بر مظلوم دشت کربلا استفاده می‌کند و در بخشی از اثر به صورت مستقل به این موضوع می‌پردازد و در بخش‌های دیگر نیز که ذکر ماجرای پیامبران را بیان می‌کند باز به این موضوع گریز می‌زند که نمونه‌ای از کار در اینجا آورده می‌شود:

«وقتی که خلیل را در آتش انداختند در میان گلستان نشسته بود یک طرف نگاه می‌کرد، گل‌های رنگ‌رنگ می‌دید، یک طرف نگاه می‌کرد سبزه‌های خرم می‌دید، یک طرف نگاه می‌کرد چشمه‌های آب جاری می‌دید، یک طرف نگاه می‌کرد لاله‌های گوناگون می‌دید اما خلیل کربلا، سیدالشهدا در روز عاشورا در میان گلستان قتلگاه نشسته بود یک طرف نگاه می‌کرد گل‌های رنگارنگ علی اکبر و علی اصغر را می‌دید، یک طرف نگاه می‌کرد لاله‌های دست عباس را می‌دید، یک طرف نگاه می‌کرد سبزه‌های خط قاسم را می‌دید، یک طرف نگاه می‌کرد مثل چشمه، اشک از چشم کلثوم و زینب روان بود». (همان: ۵)

۶-۷-۲. **اشاره به برخی باورهای عامیانه:** نویسنده در ماجرای وحی به حضرت موسی و کشتن گاو می‌فرماید:

... آمدند به نزد موسی و کیفیت را گفتند موسی فرمود: شماها خودتان امر و کار را بر خود مشکل کردید اول که خداوند فرمود بروید یک گاو بکشید منتهایش این بود که یک گاو می‌گرفتید ده روپیه او را می‌کشتید. (همان: ۶۰)



نویسنده در ذکر این داستان به «روپیه» نام بزرگ‌ترین سکه نقره هند اشاره کرده و به طور ضمنی ماجرای گاوپرستی و مقدس بودن گاو نزد هندوان را در ذهن تداعی نموده است.

«تو تعجب مکن به واسطه آنکه آب باران در دریا در صدف می‌افتد مروارید آبدار می‌شود بر دهان افعی که می‌افتد زهر می‌شود». (همان: ۳۴)

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی نسخه خطی «قضاای حضرت موسی (ع) و گریز به وقایع شهادت حضرت حسین (ع)»، اطلاعات اجتماعی، روایی، تاریخی و دینی در خور تأملی به‌ویژه در زمینه داستان پیامبران و امام حسین علیه‌السلام بدست می‌آید. با توجه به متن اثر اینگونه استنباط می‌شود که این نسخه خطی متعلق به قرن سیزدهم هجری قمری از مولفی ناشناس باشد که هیچ اطلاعاتی در خصوص نویسنده در نسخه نیامده است.

این اثر بیشتر حکایت محور و روایی است. مؤلف در این کار از انواع داستان‌های دینی و تاریخی مربوط به سرگذشت پیامبران استفاده کرده و اثری قابل فهم برای عموم عرضه نموده است ولی با وجود توصیفات عالی و نثری روان و دلنشین، اشتباهات فاحش نگارشی و دستوری در برخی واژگان همچنین لغزش در نقل آیات قرآنی و اشعار از سوی کاتب صورت گرفته است.

در بررسی ویژگی‌های رسم‌الخطی و نگارشی نسخه می‌توان گفت که در این اثر حروف اضافه و متمم؛ همچنین پیشوند و پسوند، عدد و معدود، صفات اشاره «این» و «آن» با پسوند خود، ندا و منادا، در بسیاری از موارد متصل نوشته شده است و کلماتی مثل حضرت، ساعت، صورت و ... با رسم‌الخط عربی ذکر گردیده است.

با تحلیل ساختاری و زبانی نسخه می‌توان ویژگی‌هایی از قبیل کاربرد مترادفات فارسی و عربی در کنار هم، استعمال کلمات مترادف به صورت پیاپی و حشو مانند، کاربرد واژگان ترکی، استشهاد و تضمین اشعار شعرای بزرگ فارسی از جمله مولانا، عطار؛ استناد فراوان به آیات قرآنی، بکارگیری ترکیبات و لغات نامأنوس و دشوار عربی و ... را ذکر کرد.

در سطح فکری و محتوایی می‌توان ویژگی‌هایی از قبیل اشاره به باورهای دینی، ذکر روایات و حکایات از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام، استناد به گفته‌های مقتل‌نویسان در ذکر برخی از حوادث کربلا، شیعی بودن مؤلف، بیان اندیشه‌های اخلاقی و تعلیمی برای این مجموعه نام برد. در سطح ادبی نیز با توجه به سادگی متن نمی‌توان برای عناصر بلاغی جایگاه خاصی قائل شد و فقط می‌توان موارد محدودی از برخی آرایه‌ها از قبیل تضاد،



تلمیح، جناس، سجع، تکرار و برخی تشبیهات و کنایات رایج در زبان فارسی اشاره کرد که در این میان کاربرد آرایه تلمیح و در انواع سجع، سجع متوازی از دیگر نمونه‌ها چشمگیرتر است.








منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۴)، با ترجمه استاد حسین انصاریان، قم: پیروز.
- بری، پیتر (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی در زبان‌شناسی و نقد ادبی*، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، تهران: نی.
- بی‌نا (۱۲۷۵ هـ. ق.)، *نسخه خطی «قضایای حضرت موسی علی نبینا و علیه‌السلام و گریزی به وقایع شهادت حضرت حسین علیه‌السلام»*، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۷۳)، *دیوان*، به خط فاتح عزت‌پور بر اساس نسخه قدسی، چاپ دوم، تهران: پیراسته (اسماعیلیان).
- خزائی، محمد (۱۳۷۵)، *شرح گلستان*، چاپ نهم، تهران: جاویدان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم از دوره جدید، جلد ۱۴، تهران: دانشگاه تهران.
- سایت کتابخانه احادیث شیعه
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۷۴)، *گلستان*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.
- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم (۱۳۸۸)، *دیوان سنایی غزنوی*، به سعی و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، چاپ هفتم، تهران: سنایی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۷۴)، *منطق‌الطیر*، به اهتمام و تصحیح: سید صادق گوهرین، چاپ یازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی*، تهران: سخن.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، *نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) (۱۳۷۶)، *مثنوی معنوی (بر اساس نسخه قونیه)*، به تصحیح و پیشگفتار: عبدالکریم سروش، چاپ دوم، جلد ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- یلمه‌ها، احمد رضا (۱۳۹۰)، «*بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی*»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، بهار، صص ۱۳۹-۱۶۲.



Review and stylistic analysis of the manuscript "The cases of Prophet Moses ((pbuh) and escape from the events of the martyrdom of Prophet Hussein (pbuh)

   *Rahim Salamat Azar*¹

Abstract:

The manuscript of "The events of Hazrat Musa (a.s.) and the events of the martyrdom of Hazrat Hussein (a.s.)" is one of the historical-religious texts that was written in the 13th century of Hijri. In this article, in addition to introducing this manuscript with the approach of stylistic analysis of texts, we intend to mention some literary and linguistic features of this work. The present research is a theoretical study that has been carried out using a library method and a descriptive-analytical method. The society and scope of the study is the manuscript of "The Cases of Hazrat Musa and..." which is kept in the Majlis Library under the number 208153.

In terms of writing principles, following the continuous writing in compound words and separate writing in current prefixes, writing the letter "g" without being unruly, writing prefixes connected, etc. are some of the features of this script. In this work, writing and spelling mistakes such as: lie: lie, khab: sleep, wanted: wanted, burn: burning, hugeness: enormous, arza: arza, talatam: turmoil, and also slips in mentioning some verses and poems. It indicates the carelessness of the scribe. Far from being pretentious and artificial, the author uses verbal ornaments such as saja', hint, tajnis, estishhad, guarantee, adaptation, allegory, slob al-hakim, simile, irony, permissible, etc., in his writing, albeit in a small way, It has been used to express religious and didactic ideas.

Key words: Manuscript, Hazrat Musa (AS), historical-religious story, Martyrdom of Imam Hossein (AS), writing and stylistic features.

¹ . Lecturer at Payam Noor University of Tehran, Tehran, Iran.// Rahim.salamatazar@gmail.com